

نفت، بخش پیشرو در توسعه نامتوازن ایران

دکتر محمدباقر نوبخت*

چکیده

مسئله اساسی مقاله این است که نفت چه نقشی در توسعه اقتصادی ایران ایفا نموده است و در این رابطه درآمدهای نفتی با توسعه اقتصادی در ایران بررسی خواهد شد. در جهت تبیین رابطه توسعه اقتصادی کشور با درآمدهای نفتی، ابتدا با مراجعه به گزارش‌های منتشره، روند تغییر درآمدهای نفتی و تحولات اقتصادی ایران در دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب مجموعه‌ای از اطلاعات مورد نیاز، برای پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد. سپس به منظور تحلیل رابطه همبستگی رشد اقتصادی کشور - به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه اقتصادی - با درآمدهای نفتی از مدل خود توضیح‌برداری (VAR) استفاده شده است. نتیجه‌گیری می‌شود که نفت در اقتصاد ایران به مثابه بخش پیشرو، ابتدا عاملی در جهت رشد نامتوازن بوده و سپس با تأثیرات پسین و پیشین بر بخش‌های دیگر موجبات توسعه نسبی کشور را فراهم نموده است. لذا می‌توان مدل توسعه اقتصادی ایران را با مدل رشد نامتوازن ملهم از نظریه هیرشمن تحلیل نمود. با عنایت به اینکه توسعه جمهوری اسلامی ایران در اقیانوس ۱۴۰۴ هجری شمسی با ابتناء به مشخصات جامعه آرمانی در قانون اساسی و ویژگی‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله، توسعه‌ای همه‌جانبه و انسانی خواهد بود، لذا استراتژی «استفاده از درآمدهای نفتی هم‌زمان با فراهم نمودن زمینه گسترش توسعه‌های سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی» به عنوان استراتژی مطلوب پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی

نفت، بخش پیشرو، توسعه، توسعه نامتوازن، ایران

* عضو هیأت علمی و معاون پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، دکتری تخصصی مدیریت از دانشگاه آزاد اسلامی، دکتری اقتصاد از دانشگاه Paisley (U.K.)، دوره بعد از دکتری در توسعه اقتصادی از مرکز مطالعات کاربردی CASIN (ژنو - سوئیس)
Email: nobakht@csr.ir
تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۳۱
تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

تاریخ معاصر ایران پس از رخداد مهم کشف نفت در سال ۱۲۷۱ هجری شمسی، دو کنش متفاوت از افراد و تشکلات را به ثبت رسانده است، به طوری که می‌توان همگرایی با خارجیان به انگیزه قدرت‌طلبی و منفعت‌جویی فردی را در یک کنش و تقابل با بیگانگان با هدف آزادیخواهی و پیگیری منافع ملی کنشی متقابل تلقی نمود.

از این‌رو در یک صفحه از این تاریخ امضای قرارداد واگذاری امتیاز انحصاری، اکتشاف، استخراج و تصفیه نفت به ویلیام ناکس‌داریسی توسط مظفرالدین شاه در خرداد ۱۲۸۰ و تمدید قرارداد برداشت نفت توسط شرکت نفتی انگلیس و ایران (AIOC) با موافقت رضاشاه در ۹ اردیبهشت ۱۳۱۲، که با این اقدامات زمینه سلطه انگلستان بر منابع نفتی ایران فراهم گردید و نیز اصلاح قانون اساسی توسط محمدرضاشاه در جهت افزایش اختیارات و انحلال مجلس توسط شاه در فروردین ۱۳۲۸ و مخالفت علنی سپهبد رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت، با ملی شدن صنعت نفت در ۱۲ اسفند ۱۳۲۹، کودتای آمریکایی سپهبد زاهدی و سرنگونی دولت ملی مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲... و در صفحه دیگر آن مساعی نمایندگان شجاع ملت در مجلس

چهاردهم و مطرح شدن سیاست «موازنه منفی» و طرح ممنوعیت مذاکره با خارجیان در مورد اعطای امتیازات نفتی که از سوی دکتر محمد مصدق در سال ۱۳۲۳ ارائه شده بود و نیز شکل‌گیری جبهه ملی و تلاش اعضای فراکسیون این جبهه در مجلس شانزدهم و مجاهدت‌های آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی رهبر جامعه مسلمانان مجاهد و جمعیت فدائیان اسلام در میدان مبارزات ملی شدن نفت که مستمراً با پشتیبانی بی‌دریغ مردم تقویت می‌شد (در اوایل سال ۱۳۲۹) و همچنین جانفشانی شهید خلیل طهماسبی در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، تصویب قطعنامه ملی شدن صنعت نفت در کمیسیون نفت در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ و راهپیمایی بزرگ مردم تهران در ۱۸ اسفند ۱۳۲۹ و در نهایت ملی شدن صنعت نفت در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی و تأیید آن در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا... رویدادهای ارزشمندی هستند که منعکس شده‌اند. هرچند با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، عملاً از فروردین ۱۳۳۳ بار دیگر صنعت نفت ایران در اختیار کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی قرار گرفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی

انگیزه‌های متفاوت، «توسعه» به عنوان یک هدف در برنامه‌های اقتصادی اکثر کشورها از جمله «ایران» مورد پیگیری قرار گرفت.

پدیده «توسعه‌خواهی» در نیم‌قرن گذشته، همواره از تحول لازم در جهت تکامل برخوردار بوده است. به طوری که این تطور را می‌توان در سه دوره زمانی: ۱- (۱۹۵۰-۱۹۷۵)؛ ۲- (۱۹۷۵-۱۹۹۵)؛ و ۳- از ۱۹۹۵ تاکنون تقسیم‌بندی نمود. (ژوزف استگلیتز، ۱۹۹۹)

در دوره نخست (۱۹۷۵-۱۹۵۰)، علت توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم، با نظریه (نورکس، ۱۹۵۴) و پدیده دور باطل فقر^۱ تحلیل و تعلیل می‌گردید. راه خروج از این تسلسل و دستیابی به «توسعه»، انباشت سرمایه و تحصیل رشدی در حد ۵ تا ۷ درصد در اقتصاد معرفی می‌شد. از این‌رو در جهت تحقق چنین رشدی در اقتصاد، مدل‌های رشد متوازن^۲ همراه با یک فشار بزرگ^۳ توسط رزنشتاین - رودن (۱۹۵۷) و رشد نامتوازن^۴ توسط آلبرت هیرشمن (۱۹۵۸) و نیز مدل حداقل تلاش بحرانی^۵ از سوی لیبن اشتاین (۱۹۶۸) مطرح گردید. اما

(ره) و پایداری ملت بزرگ و مقاوم ایران به بیش از نیم‌قرن سلطه بیگانگان بر منابع نفتی ایران پایان داده شده است. (علم، ۱۳۷۱)

۲- بیان مسئله

با وجود تاریخ پرتموج نفت و وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، در حالی که عده‌ای آن را مولد توسعه اقتصادی ایران می‌دانند، برخی نیز از نفت به عنوان مانع توسعه در کشور یاد می‌کنند، لذا بیان مسئله اساسی در این مقاله پژوهشی با سؤال زیر مطرح می‌شود که نفت چه نقشی در توسعه اقتصادی ایران ایفا نموده است؟ بنابراین هدف این مطالعه تبیین رابطه درآمدهای نفتی با توسعه اقتصادی در ایران است.

۳- ادبیات و مبانی نظری

توسعه

با وجود سابقه چندصدساله برای واژه «رشد» در ادبیات اقتصادی، پیشینه مفهوم «توسعه» عمدتاً به بعد از جنگ جهانی دوم و دهه ۱۹۵۰ میلادی برمی‌گردد. ضرورت بازسازی و ایجاد رفاه در کشورهای دیگر جنگ از یک‌سو و نوسازی و پیشرفت در کشورهای رها شده از استثمار از سوی دیگر، در خلق این مفهوم و ترویج آن مؤثر بوده است. (جرالد میر، ۱۹۸۴) از این‌رو با

1 - Vicious Circle of Poverty
2 - Balanced Growth
3 - Big Push
4 - Unbalanced Growth
5 - Critical Minimum Effort

چون مردم کشورهای دست یافته به این رشد، ضمن گذر از دور باطل با پدیده دیگری با عنوان «فاصله طبقاتی» در درآمد و مصرف مواجه شدند، از این رو نسل دوم نظریه پردازان توسعه، از مفهوم کامل تری برای «توسعه» استفاده نمودند و آن رشد اقتصادی همراه با توزیع عادلانه بود که عمده‌تاً در دوره ۱۹۹۵ - ۱۹۷۵ مورد تأکید قرار گرفت. اما از سال ۱۹۹۵ به بعد و در پی ارائه برداشت‌های متفاوتی از «توسعه»، توسط برخی از نظریه پردازان شرقی همچون آمارتیاسن، (۱۹۹۳، ۱۹۸۵، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۱)، اقتصاددان شهیر هندی و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۸ و همچنین ماتاهی، (۲۰۰۲)، فلاویو، (۲۰۰۱)، فوکودا، (۲۰۰۲) مدل جدیدی از «توسعه» با عنوان توسعه انسانی^۶ مطرح گردید.

در برداشت جدید از توسعه استدلال می‌شود که نه فقط رشد اقتصادی و تولید ثروت، حتی توزیع عادلانه ثروت نیز به تنهایی تأمین کننده زمینه رفاه و خوشبختی انسان‌ها و فراهم کننده «توسعه» در جوامع بشری نیست، به طوری که انسان‌ها با توجه به ثروتمند بودن می‌توانند احساس بدبختی و عدم رفاه داشته باشند. (آناند، ۲۰۰۴)

از نظر آمارتیاسن، توسعه برای شکوفایی قابلیت افراد با ابتناء به آزادی شکل می‌گیرد و اساساً توسعه به مثابه آزادی است. (محمودی، ۱۳۸۲) آمارتیاسن، آزادی را هم ابزار توسعه می‌داند و هم هدف توسعه و از دیدگاه او جوامع آرمانی و توسعه یافته باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

۱. آزادی‌های سیاسی (آزادی در انتخاب حکومت، آزادی در بیان و مطبوعات ...)
 ۲. امکانات و تسهیلات اقتصادی (امکان استفاده از منابع اقتصادی در تولید و مصرف و مالکیت و آزادی بازار ...)
 ۳. فرصت‌های اجتماعی (برخورداري از آموزش و بهداشت ...)
 ۴. تضمین شفافیت (امکان دسترسی همگان به اطلاعات ...)
 ۵. نظام حمایتی (وجود شبکه‌های تأمین اجتماعی برای کمک به مردم در رهایی از فقر و تنگدستی ...).
- برای ارزیابی توسعه انسانی در جوامع، شاخصی تعریف شده است (UNDP, 2002) با عنوان شاخص توسعه انسانی^۷ (H.D.I) که خود از سه شاخص جزئی زیر تشکیل می‌شود:

دانش‌آموز به معلم در آموزش ابتدایی (معکوس)؛ سهم مخارج آموزشی از تولید ناخالص ملی؛ تعداد استفاده‌کنندگان از اینترنت در هر هزار نفر جمعیت.

ب) شاخص‌های بهداشتی

نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال در هر هزار تولد زنده (معکوس)؛ دسترسی به آب سالم (به صورت درصدی از جمعیت)؛ دسترسی به خدمات بهداشتی (به صورت درصدی از جمعیت)؛ سرانه مخارج بهداشتی.

ج) شاخص برابری جنسی و قدرت زنان

درصد زنان باسواد بزرگسال به درصد مردان باسواد بزرگسال؛ درصد کرسی‌های پارلمان که متعلق به زنان است؛ نسبت دستمزد زنان به دستمزد مردان؛ نسبت ثبت‌نام دختران به ثبت‌نام پسران در مدارس ابتدایی.

۳. شاخص‌های حقوق انسانی و

آزادی‌های مدنی، شامل:

شاخص آزادی بیان و عقیده؛ شاخص گسترش دموکراسی و مشارکت افراد؛ شاخص رقابت آزادی سیاسی؛ شاخص حقوق نهادها و سازمان‌ها؛ شاخص حکومت قانون و رعایت حقوق انسانی؛ شاخص استقلال شخصی و میزان دخالت دولت در زندگی افراد.

الف) GDP حقیقی سرانه بر مبنای P.P.P. (برابری قدرت خرید)؛

ب) امید به زندگی در بدو تولد؛

ج) دسترسی به آموزش که تابعی است از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن.

همچنین شاخص‌های توسعه‌یافتگی که با توجه به مفاهیم جدید توسعه مبنی بر قدرت انتخاب آزادانه انسان‌ها و نیز اهداف توسعه هزاره سوم^۸ در کنفرانس‌های سازمان ملل متحد تعیین شده است (UNDP, 2003) عبارت‌اند از:

۱. شاخص‌های اقتصادی، شامل:

شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه؛ شاخص بیکاری (معکوس)؛ شاخص ضریب جینی (معکوس)؛ سهم صادرات کالاهای صنعتی از کل صادرات کالاهای؛ سهم صادرات کالاهای با تکنولوژی برتر از کل صادرات کالاهای صنعتی؛ شاخص دخالت دولت در اقتصاد (معکوس).

۲. شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، شامل:

الف) شاخص‌های آموزشی

نرخ خالص ثبت‌نام در آموزش ابتدایی؛ درصد افراد بزرگسال باسواد؛ نسبت

۴. شاخص‌های پایداری محیطی، شامل:

شاخص انتشار گاز کربنیک در هوا نسبت به تولید ناخالص داخلی (آلودگی هوا)؛ شاخص میزان انرژی مصرف شده برای هر واحد تولید ناخالص داخلی (برداشت نادرست از منابع).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعریف رابطه معنی‌داری بین متغیر درآمدهای نفتی با هر یک از متغیرهایی که شاخص آنها در توسعه‌یافتگی معرفی شده‌اند، عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد، اما می‌توان در خصوص چگونگی رابطه این متغیر با متغیر رشد تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) و تولید ناخالص داخلی سرانه که یکی از شاخص‌های مهم در توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، به کمک مدل‌های کمی اقدام نمود.

۴- روش تحقیق

در جهت تبیین رابطه توسعه اقتصادی کشور با درآمدهای نفتی، ابتدا با مراجعه به گزارش‌های منتشره، روند تغییر درآمدهای نفتی و تحولات اقتصادی ایران در دوران‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند، بدین ترتیب مجموعه‌ای از اطلاعات مورد نیاز، برای پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق به روش

کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌شوند. سپس به منظور تحلیل رابطه همبستگی رشد اقتصادی کشور - به عنوان یکی از شاخص اصلی توسعه اقتصادی - با درآمدهای نفتی از مدل خود توضیح‌برداری VAR^۹ استفاده خواهد شد.

۵- بررسی روند درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی در ایران

به منظور آگاهی از چگونگی رابطه درآمدهای نفتی با رشد اقتصادی در ایران، این بررسی به دو دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تفکیک می‌شود.

۵-۱- دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

بخش نفت نزدیک به ۸۰ درصد درآمدهای دولتی و ۹۰ درصد عواید حاصله از تجارت خارجی را طی این دوره تأمین کرده است. بودجه جاری و عمرانی دولت کلاً از طریق همین منبع تأمین می‌شد. (احدی‌فر، ۱۳۷۴) همین بالا بودن سهم بخش نفت در اقتصاد باعث می‌شد که به هنگام نوسان قیمت نفت، متغیرهای کلان اقتصاد نیز تحت تأثیر این نوسانات قرار گیرد. افزایش قیمت نفت خام، درآمدهای ارزی را از ۲/۴ میلیارد

9 - Vector Auto Regression

دلار در سال ۱۳۴۹ به ۱۸/۵ میلیارد در سال ۱۳۵۳ افزایش داد. این امر باعث افزایش نرخ رشد اقتصاد ایران گردید. تولید ناخالص ملی در طول برنامه چهارم (۵۱ - ۱۳۴۷) سالیانه به طور متوسط ۱۱/۸ درصد افزایش یافت و با ادامه روند صعودی درآمدهای نفتی (۱۶۱/۱ درصد در سال ۱۳۵۲ و ۱۷۱/۷ درصد در سال ۱۳۵۳)، تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۵۳ با نرخی معادل ۴۲ درصد رشد کرد، اما کاهش ۱۱/۱ درصدی درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۴ موجب توقف نسبی این روند گردید. به طوری که در همین سال، تولید ناخالص ملی تنها ۲/۷ درصد افزایش یافت. (بانک مرکزی، ۱۳۵۴) مهم‌ترین پیامد افزایش درآمدهای نفتی، برجسته شدن هرچه بیشتر جایگاه بخش نفت در اقتصاد ایران و کم‌اهمیت‌تر شدن دیگر بخش‌ها بود، به طوری که سهم نفت در تولید ناخالص ملی از ۲۷ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۵۴ رسید. درحالی که سهم کشاورزی از ۱۶/۵ درصد و سهم صنعت از ۲۰ درصد در سال ۱۳۵۱ به ترتیب ۹/۴ درصد و ۱۵/۴ درصد در سال ۱۳۵۴ تنزل کردند. به دنبال این افزایش درآمدهای نفتی، واردات ایران از ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ به ۱۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲ رسید که افزایشی در حدود ۵۴۳ درصد را نشان می‌دهد. همچنین با افزایش درآمدهای نفتی، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز طبیعی و صنایع به ترتیب افزایشی معادل ۱۵۶ درصد و ۱۱۲/۵ درصد داشتند و متوسط نرخ رشد هزینه‌های مصرفی خصوصی به ۱۵/۲ درصد افزایش یافت که نسبت به برنامه چهارم دو برابر شده بود. متوسط نرخ رشد شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها که در برنامه دوم، سوم و چهارم به ترتیب ۱/۷، ۱/۵ و ۳/۹ درصد بود، در طی برنامه پنجم به ۱۲/۷ درصد رسیده است. (نوفروستی، ۱۳۷۶) صادرات کل کالا و خدمات طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ علیرغم افزایش قیمت‌های جهانی نفت، به دلیل هدایت تقاضای داخلی به سمت کالاهای صادراتی و همچنین رکود اقتصادی در کشورهای صنعتی در طی این سال‌ها کاهش یافت.

نکته قابل توجه اینکه، در اوایل دهه ۵۰ افزایش شدید واردات کالا و خدمات از طرف دولت که ناشی از افزایش درآمدهای نفتی بود، عوارض جانبی مهمی داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ترکیب کالاهای وارداتی نشان می‌دهد که گرایش واردات بیشتر در جهت

۵-۲- دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی^(۱)

با وقوع انقلاب اسلامی ایران تحول عظیمی در ساختار اقتصاد ایران پدید آمد. به طوری که در بخش صنایع، به علت شرایط اجتناب‌ناپذیر انقلاب، فرار سرمایه‌داران و انتقال بخش بزرگی از سرمایه آنها به خارج از کشور و نیز دیون کلان شرکت‌ها و کارخانجات به سیستم بانکی به رکود اقتصادی منجر شد. در چنین شرایطی بازرگانی خارجی و بخش عمده‌ای از صنایع کشور، تحت پوشش سیاست‌های دولت قرار گرفتند و سیستم بانکی به منظور پیشگیری از خطر ورشکستگی، ملی اعلام شدند. در سال ۱۳۵۷، درآمد ایران از محل فروش نفت ۱۸/۱۱۵ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی ۲۱۹۱۹۱ میلیارد ریال بود. در سال بعد به دلیل افزایش قیمت نفت درآمدهای نفتی حدود یک میلیارد دلار افزایش یافته و به حدود ۱۹ میلیارد دلار می‌رسد، ولی تولید ناخالص داخلی به ۲۰۹۹۱۹/۴ میلیارد ریال کاهش پیدا کرد. در سال ۱۳۵۹ در آمد نفتی افت شدیدی پیدا کرد و با قریب ۸ میلیارد دلار کاهش به ۱۱/۶۰۷ میلیارد دلار سقوط کرد. این امر به دلیل کاهش شدید تولید و صادرات ناشی از وقوع جنگ تحمیلی بود. در

واردات کالاهای مصرفی بوده است و طی این سال‌ها واردات کالاهای مذکور در مقایسه با واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه از افزایش چشمگیری برخوردار بوده و در نتیجه وابستگی به خارج افزایش و اقتصاد کشور به سمت مصرف‌گرایی سوق یافته است.

۲. تسهیلات ایجاد شده برای واردات کالا توسط دولت باعث پایین نگه داشتن قیمت کالاهای مصرفی و به تبع آن کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید در بخش کشاورزی شد که به ضعیف‌تر شدن این بخش منجر گردید.

۳. افزایش کالا و خدمات موجب تنگناهای شدید زیربنایی در زمینه تخلیه و ترخیص، انبارداری، حمل و نقل و توزیع کالاهای وارداتی شد و در نتیجه آثار سوئی را به دنبال داشت که از آن جمله می‌توان به پرداخت مقادیر قابل توجهی از منابع به عنوان هزینه شارژ به شرکت‌های حمل و نقل به خاطر افزایش بیش از حد انتظار کشتی‌ها در بنادر برای تخلیه کالا اشاره نمود. به‌طور کلی در همین مختصر مرور و توجه به اقتصاد ایران در طی این دوره، می‌توان تأثیر بخش نفت را بر آن ملاحظه کرد.

این سال تولید ناخالص داخلی ۱۷۸۱۴۹ ریال و نرخ رشد آن ۱۵/۱- درصد بوده است. در سال ۱۳۶۰ درآمد ارزی اندکی بهبود یافت (چند صد میلیون دلار افزایش یافت) ولی تولید ناخالص داخلی کاهش محسوسی داشت. هرچند که کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نسبت به سال قبل کمتر شد و به ۴/۴- درصد رسید، ولی هزینه های عمرانی دولت از ۵۶۸/۱ میلیارد در سال ۱۳۵۹ به ۶۷۴/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ افزایش یافت. در سال ۱۳۶۱ کشور با افزایش شدید درآمدهای نفتی مواجه بود که نسبت به سال ۱۳۶۰، حدود ۸ میلیارد دلار افزایش یافت. این افزایش به دلیل پیروزی در جبهه جنگ تحمیلی و تعمیر حوزه های نفتی بود و بدین ترتیب مشتریان نفت ایران برای خرید تشویق شدند و موقعیت کشور ما در اوپک نیز تحکیم پیدا کرد. در نتیجه صادرات نفت دو برابر شد و درآمدهای نفتی افزایش یافت. در این سال تولید ناخالص داخلی به ۱۹۱۶۶۶/۸ میلیارد ریال افزایش یافت که نرخ رشدی معادل ۱۲/۶ درصد دارد. در همین سال نرخ رشد سرمایه گذاری کل معادل ۰/۶۵ درصد بوده که نسبت به سال قبل خود که منفی بوده است، افزایشی را نشان می دهد. در سال ۱۳۶۲، علیرغم کاهش

قیمت نفت، به لحاظ افزایش تولید و صادرات، درآمد نفتی در سطح درآمد سال قبل قرار گرفت و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به ۱۱/۱ درصد و هزینه های عمرانی نیز به ۱۱۴۸/۶ میلیارد ریال افزایش یافت. از سال ۱۳۶۳ کشور شاهد روند نزولی درآمدهای نفتی بود، این وضعیت برای سه سال ادامه یافت که علت اصلی آن تداوم کاهش قیمت جهانی نفت و تداوم جنگ بود. در نتیجه، از یک سو عراق حملات خود را بر مراکز نفتی وسعت و شدت می بخشید که این سبب کاهش چشمگیر تولید و صادرات نفت شد و از سوی دیگر کشورهای نفتی خلیج فارس به دلایل عدیده ای از جمله تحت فشار قرار دادن ایران، با افزایش عرضه، موجبات کاهش قیمت را فراهم ساختند. تحت تأثیر این دو جریان در سال ۱۳۶۳، درآمد نفتی حدود ۴ میلیارد دلار کاهش یافت و به ۱۶/۶۶۳ میلیارد دلار رسید. در سال ۱۳۶۴ نیز درآمد نفتی کاهش و به رقم ۱۲/۹ میلیارد دلار رسید. اما سقوط درآمدهای نفتی در سال ۱۳۶۵ بسیار چشمگیر بود به طوری که حتی به کمتر از نصف یعنی ۵/۹ میلیارد دلار رسیده بود. در این سه سال (سال های ۶۵ - ۱۳۶۳) نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۲-، ۲ و ۹/۱-

درصد بود. ارزش افزوده بخش صنعت در طی این سه سال افت شدیدی کرد و نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنایع و معادن $4/9$ ، $5/6$ - و $8/9$ - درصد شده بود. درآمدهای نفتی در سال 1366 اندکی بهبود یافت و به بیش از 9 میلیارد دلار بالغ گردید و به دنبال آن از $10692/5$ میلیارد ریال در سال 1365 به $10736/6$ میلیارد ریال افزایش یافت که نرخ رشدی معادل $0/4$ درصد از خود نشان می‌دهد. البته در این سال با وجود افزایش درآمدهای نفتی، کشور با کاهش چشمگیری در سرمایه‌گذاری روبه‌رو شد که علت آن به شدت یافتن جنگ مربوط می‌شود. این روند نزولی تا پایان سال 1368 ادامه یافت. پس از پایان جنگ و همزمان با آغاز برنامه اول توسعه، درآمدهای نفتی طی دو سال با جهش روبه‌رو شد (ابتدا به حدود 12 میلیارد دلار در سال 1368 رسید و سپس در سال 1369 به $16/6$ میلیارد دلار بالغ گشت). تولید ناخالص داخلی در این دو سال به ترتیب $191502/6$ و $218538/2$ میلیارد ریال می‌باشد که نرخ رشدی معادل $5/9$ و $14/1$ درصد داشته‌اند که نسبت به سال 1367 (که نرخ رشد $5/5$ - درصد بوده است) افزایش پیدا کرده است. از سال 1370 به بعد به علت جنگ خلیج فارس قیمت نفت و در

نتیجه درآمدهای نفتی نیز به شدت افزایش یافت و این افزایش تا سال 1375 ادامه یافت. در طی این دوره نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مثبت و نسبتاً مناسب بود. از طرفی دیگر هزینه‌های عمرانی که از سال 1367 تا 1370 روند نزولی داشت، از این سال به بعد روند صعودی به خود گرفت، به طوری که این روند تا سال 1376 به صورت صعودی ادامه یافت. از سال 1375 تا سال 1377 ما با کاهش چشمگیری در درآمدهای نفتی روبه‌رو می‌شویم. این کاهش ناشی از رکودی است که اقتصاد جهانی را در بر گرفته و باعث کاهش تقاضا برای نفت شده بود.

تولید ناخالص داخلی طی سال‌های 1376 و 1377 به ترتیب برابر با $291768/7$ و $300139/6$ میلیارد ریال است که از نرخ رشدی معادل $2/8$ و $2/9$ برخوردار بود. در سال‌های 79 - 1378 ما شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای در درآمدهای نفتی و نرخ رشد مثبت و نسبتاً مناسبی در تولید ناخالص داخلی هستیم. رشد تولید ناخالص داخلی در سال 1379 معادل $5/0$ درصد بود، که در این سال بخش نفت نرخ رشدی حدود $8/2$ درصد داشت.

در سال 1380 تنظیم و اجرای سیاست‌های معطوف به تأمین مالی رشد

اقتصادی از طریق تأمین نقدینگی بخش‌های تولیدی، به‌ویژه بخش خصوصی و ادامه روند جهت‌گیری سیاست‌های کلان اقتصادی با هدف رشد تولید و اشتغال در فضای توأم با تورم محدود گردید تا اقتصاد ایران از رشد ۴/۷ درصدی برخوردار شود که در مقایسه با رشد هدف برنامه سوم توسعه برای سال ۱۳۸۰ (یعنی ۵/۵ درصد) کمتر می‌باشد. طی این سال ارزش افزوده بخش نفت با ۸/۴ درصد کاهش روبه‌رو شد که عمدتاً متأثر از کاهش تولید نفت خام به میزان ۱۰/۳ درصد بود. در این سال متوسط قیمت هر بشکه از نفت خام صادراتی ایران، با ۱۵/۳ درصد کاهش به ۲۱/۴ دلار رسید که با کاهش مقدار صادرات نفت خام درآمدهای صادراتی بخش نفت ۲۰/۴ درصد کاهش یافت. مطابق آمار موازنه تراز پرداختی‌ها، درآمدهای ارزی حاصل از صادرات بخش نفت از ۲۴۲۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به ۱۹۳۳۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ تقلیل یافت.

در سال ۱۳۸۱ رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶) به ۷/۴ درصد بالغ گردید که از هدف تعیین شده در برنامه سوم توسعه برای این سال یعنی ۶/۵ درصد بالاتر می‌باشد. در این سال، ارزش افزوده گروه نفت و گاز از رشد مثبتی نسبت

به سال قبل برخوردار بود که به ۵/۱ درصد رسید. در این سال، تحولات بازار جهانی نفت و نیز اجرای تدریجی مقررات جدید تسهیل تجارت خارجی که در راستای تحقق اهداف برنامه پنج‌ساله سوم صورت گرفت، تراز پرداختی‌های کشور را متأثر ساخت. در این سال متوسط قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی نسبت به سال قبل ۲۰/۳ درصد افزایش داشت و در نهایت افزایش ۱۷/۹ درصدی در صادرات بخش نفت فراهم شد. ضمناً منابع ارزی حاصل از صادرات بخش نفت از ۱۹۳۳۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ به ۲۲۸۰۷ دلار در سال ۱۳۸۱ افزایش پیدا کرد. در سال ۱۳۸۲ برآورد رشد تولید ناخالص داخلی منطبق با اهداف کمی تعیین شده در برنامه سوم توسعه بالغ بر ۶/۷ درصد گردید. در این سال گروه نفت و گاز تنها گروهی بود که ارزش افزوده آن رشد سریع‌تری نسبت به سال قبل (برابر ۱۲/۹ در مقابل ۳/۶ درصد سال قبل) برخوردار بود. همچنین در سال ۱۳۸۲ تولید نفت خام ایران با ۱۳ درصد رشد به ۳/۷ میلیون بشکه در روز بالغ گردید و خالص صادرات نفت کشور (شامل صدور فرآورده‌های نفتی) نیز با ۱۶/۹ درصد رشد به ۲/۷ میلیون بشکه در روز رسید. در این سال میانگین قیمت هر

بشکه نفت خام صادراتی ایران با حدود ۳/۶ درصد رشد به ۲۶/۶ دلار رسید. تحولات سیاسی خاورمیانه و رعایت نسبی سهمیه تولید از سوی اعضای اوپک از دلایل اصلی افزایش بهای نفت در این سال بود. در این سال کل درآمدهای ارزی حاصل از صادرات با ۱۹/۷ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۳۳۷۸۸ میلیون دلار رسید که ۲۷۰۳۳ میلیون دلار آن مربوط به صادرات نفت و گاز (با ۱۷/۷ درصد رشد) می‌باشد.

در سال ۱۳۸۳ تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶ با رشدی معادل ۴/۸ درصد به ۳۹۸۲۳۴ میلیارد ریال بالغ گردید، در این سال گروه‌های صنایع و معادن با ۸/۴ درصد، خدمات ۴/۶ درصد، نفت ۲/۶ درصد و کشاورزی با ۲/۲ درصد رشد داشتند.

رشد اقتصادی در سال ۱۳۸۳ نسبت به نرخ رشد هدف‌گذاری شده در برنامه سوم توسعه یعنی ۶/۸ درصد و در مقایسه با میانگین نرخ رشد اقتصادی برنامه یعنی ۶ درصد به مراتب کمتر بود. دلیل این تنزل را باید با کاهش نرخ رشد نفت ناشی از روند کاهشی رشد استخراج نفت خام و نیز کاهش فرآورده‌های نفتی در داخل مرتبط دانست.

در سال ۱۳۸۴ تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۷۶، با رشدی معادل ۵/۴

درصد به ۴۱۹۰۷۶ میلیارد ریال رسید، در این سال ارزش افزوده گروه‌های صنایع و معادن ۶/۷ درصد، خدمات ۵/۶ درصد، نفت ۰/۶ درصد و کشاورزی ۷/۱ درصد رشد داشته است.

در سال ۱۳۸۴، تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه، بدون نفت ۶ درصد رشد را نشان می‌دهد که دلیل آن پائین بودن رشد گروه نفت (۰/۶ درصد) بوده است.

در سال ۱۳۸۵ تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ از رشدی معادل ۶/۲ درصد برخوردار شد که این رشد بدون نفت ۶/۶ درصد بود. در این سال سهم ارزش افزوده گروه‌های کشاورزی، نفت، خدمات و همچنین بخش صنعت از رشد تولید ناخالص داخلی در سال مورد بررسی به ترتیب معادل ۰/۷، ۰/۳، ۳/۴ و ۱/۷ واحد درصد اعلام گردیده است.

در سال ۱۳۸۶ رشد تولید ناخالص داخلی ۶/۹ درصد و رشد آن بدون نفت ۷/۶ درصد اعلام شده است. علت افزایش رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت نسبت به کل تولید ناخالص داخلی پائین بودن رشد گروه نفت (۰/۸ درصد) و دلیل افزایش رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۵ را باید در افزایش رشد گروه

NOGDP: تولید ناخالص داخلی بدون

نفت

OIL: درآمد حاصل از صادرات نفت و

گاز

GDPPC: تولید ناخالص داخلی سرانه

بر اساس برابری قدرت خرید

تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص

داخلی بدون نفت به قیمت های ثابت سال

۱۳۷۶ مورد محاسبه قرار گرفته است. باتوجه

به اینکه درآمدهای نفتی موجود در قوانین

بودجه کل کشور بر اساس نرخ رسمی ارز

محاسبه شده و نرخ رسمی ارز در سال های

مختلف با نرخ غیر رسمی آن - به ویژه در

سال های قبل از یکسان سازی نرخ ارز -

بسیار متفاوت بوده، به منظور اجتناب از

چنین انحرافی از درآمدهای دلاری حاصل از

صادرات نفت و گاز استفاده شده است.

همچنین به منظور اجتناب از تفاوت های

حاصل از مقیاس، از فرم لگاریتمی متغیرها

استفاده شده است.

۶-۲- بررسی درجه همبستگی

بین متغیرها

جدول شماره (۱) درجه همبستگی

متغیرها را با یکدیگر نشان می دهد. همچنان

از این جدول استنباط می شود که درجه

همبستگی مابین تولید ناخالص داخلی و

ساختمان (۱۹/۶ درصد) که ناشی از افزایش

رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی در

ساختمان و مسکن بوده، جستجو نمود.

با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی

طی سال های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ نسبت

به رشد ۴/۸ درصدی سال ۱۳۸۴ مستمراً

دارای رشد بوده و به ترتیب به ۵/۴ درصد،

۶/۲ درصد و ۶/۹ درصد رسیده است، باید

این رشد اقتصادی را مرهون افزایش بی سابقه

درآمدهای نفتی طی این سه سال دانست که

بالغ بر ۱۹۸ میلیارد دلار بوده است.

از این رو افت شدید قیمت نفت در

بازارهای جهانی که منجر به کاهش

درآمدهای نفتی ایران شده است، زمینه

کاهش رشد اقتصادی را فراهم خواهد کرد.

۶- برآورد مدل

۶-۱- داده ها

در این مطالعه به منظور بررسی رابطه

بین رشد درآمدهای نفتی با رشد تولید

ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی

بدون نفت، از یک مدل خود توضیح برداری^{۱۰}

(VAR) استفاده شده است. متغیرهای مورد

استفاده در این مدل عبارت اند از:

GDP: تولید ناخالص داخلی

درآمدهای نفتی برابر ۰/۷۶ می‌باشد. همچنین نتایج این جدول نشان می‌دهد درجه همبستگی مابین تولید ناخالص داخلی و درآمدهای نفتی بدون نفت برابر ۰/۶۶ می‌باشد.

جدول شماره (۱) ماتریس همبستگی متغیرها

LNOGDP	LGDP	LDOIL	
۰/۶۶	۰/۷۶	۱/۰۰	LDOIL
۰/۹۴	۱/۰۰	۰/۷۶	LGDP
۱/۰۰	۰/۹۴	۰/۶۶	LNOGDP

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که درجه همبستگی بین تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید (GDP based on PPP per capita) و درآمد حاصل از صادرات نفت گاز ۰/۸۱ می‌باشد.

جدول شماره (۲): ماتریس همبستگی درآمدهای نفتی و GDP سرانه

LGDP	LDOIL	
۰/۸۱	۱/۰۰	LDOIL
۱/۰۰	۰/۸۱	LGDP

جدول شماره ۳، درجه همبستگی مابین نرخ رشد متغیرهای مدل را نشان می‌دهد. همچنان که از این جدول استنباط می‌گردد، درجه همبستگی نرخ رشد درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد تولید ناخالص

بدون نفت به ترتیب برابر ۰/۶۱ و ۰/۴۵ می‌باشد.

جدول شماره (۳): ماتریس همبستگی نرخ رشد متغیرها

DLNOGDP	DLGDP	DLOIL	
۰/۴۵	۰/۶۱	۱/۰۰	DLOIL
۰/۷۹	۱/۰۰	۰/۶۱	DLGDP
۱/۰۰	۰/۷۹	۰/۴۵	DLNOGDP

و نهایتاً جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که درجه همبستگی مابین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید (GDP based on PPP per capita) و نرخ رشد درآمدهای نفتی ۰/۴۵ می‌باشد.

جدول شماره (۴): ماتریس همبستگی درآمدهای نفتی و GDP سرانه

DLGDP	DLOIL	
۰/۴۵	۱/۰۰	DLOIL
۱/۰۰	۰/۴۵	DLGDP

۶-۳- برآورد مدل خود توضیح‌برداری

نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل که از طریق آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته^{۱۱} نشان می‌دهد، تمامی متغیرها دارای ریشه واحد و انباشته از درجه یک، یعنی I(1) می‌باشند. به منظور اجتناب از برآورد رگرسیون کاذب از تفاضل مرتبه

همچنان که در جدول شماره (۵) ملاحظه می‌گردد، نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که ۱ واحد درصد تغییر در نرخ رشد درآمدهای نفتی به‌طور متوسط به میزان ۰/۰۹ واحد درصد نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش ۱ واحد درصد در درآمدهای نفتی به‌طور متوسط باعث افزایش ۰/۱۲ واحد درصد نرخ رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود.

۴-۶- بررسی سهم نرخ رشد درآمدهای نفتی در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

در این قسمت با استفاده از نتایج حاصل از مقادیر برآورد شده (جدول ۵) به بررسی سهم نرخ رشد درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در طی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه پرداخته شده است.

جدول شماره (۶) سهم نرخ رشد درآمدهای حاصل صادرات نفت را در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی طی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نشان می‌دهد. چنانچه از این جدول استنباط می‌گردد، در طی سال‌های برنامه اول به‌طور متوسط تنها ۰/۴۵ واحد درصد از رشد تولید ناخالص داخلی در هر

اول متغیرها و جهت لحاظ پویایی‌های روابط بین متغیرها از یک مدل خود توضیح‌برداری استفاده شده است. در این مدل درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز به عنوان یک متغیر برونزا در نظر گرفته شده است تا بتوان میزان تأثیر تغییر در نرخ رشد درآمدهای نفتی را در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت مورد بررسی قرار داد.

نتایج حاصل از برآورد مدل به صورت خلاصه در جدول شماره ۵ آورده شده است. جدول شماره (۵): برآورد مدل خود توضیح برداری

Vector Autoregression Estimation		
Sample(adjusted): 1353 1386		
Included observations: 34 after adjusting		
DLGDP	DLNOGDP	
-0.017337	0.276551	DLNOGDP(-1)
-0.019188	0.004001	DLNOGDP(-2)
0.451075	0.240856	DLGDP(-1)
-0.001981	0.154269	DLGDP(-2)
0.010124	0.014594	C
0.116121	0.08785	DLOIL
0.562885	0.558847	R-squared
0.484828	0.480069	Adj. R-squared
0.068349	0.062738	Sum sq. resids
0.049407	0.047335	S.E. equation
57.31734	58.77361	Log likelihood
-3.018667	-3.10433	Akaike AIC
-2.74931	-2.834972	Schwarz SC
0.02959	0.045177	Mean dependent
0.068835	0.065647	S.D. dependent
2.06E-06		Determinant Residual Covariance
126.0651		Log Likelihood
-6.709713		Akaike Information Criteria
-6.170997		Schwarz Criteria

سال ناشی از رشد درآمدهای نفتی بوده است. همچنین در طی سال‌های برنامه‌های توسعه دوم و سوم ۱/۷ واحد درصد از رشد تولید ناخالص داخلی ناشی از رشد درآمدهای نفتی بوده است؛ در حالی که سهم نرخ رشد درآمدهای نفتی از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در طی سه سال اول برنامه چهارم توسعه به‌طور متوسط ۳/۱۴ واحد درصد می‌باشد.

جدول شماره (۶): سهم نرخ رشد درآمدهای نفتی از نرخ رشد تولید

ناخالص داخلی

سال‌های برنامه	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
۶۹-۷۳	۷۴-۷۸	۷۹-۸۳	۸۴-۸۶	
۱۳۶۹	۴/۶۷	۴/۰۸	۴/۵۷	
۱۳۷۰	-۱/۳۵	-۲/۶۴	-۲/۶۴	۱/۶۵
۱۳۷۱	۰/۶۱	۲/۰۰	۲/۰۰	۳/۲۱
۱۳۷۲	-۱/۹۰	۲/۰۳	۲/۰۳	----
۱۳۷۳	۰/۲۲	۳/۲۹	۳/۲۹	----
متوسط دوره	۰/۴۵	۱/۷۵	۱/۷۵	۳/۱۴

جدول شماره (۷) نیز سهم نرخ رشد درآمدهای نفتی از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت را نشان می‌دهد. همچنان‌که در این جدول ملاحظه می‌گردد، سهم نرخ رشد درآمدهای نفتی از نرخ رشد

تولید ناخالص داخلی بدون نفت در طی سال‌های برنامه‌های توسعه اول و دوم به‌طور متوسط به ترتیب برابر ۰/۳۴ و ۰/۲۸ واحد درصد بوده است. در حالی که در سال‌های برنامه سوم و سه سال اول برنامه چهارم به‌طور متوسط به ترتیب ۱/۳۲ و ۲/۳۸ واحد درصد از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت ناشی از رشد درآمدهای نفتی می‌باشد.

جدول شماره (۷): سهم نرخ رشد درآمدهای نفتی از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت

سال‌های برنامه	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم
۶۹-۷۳	۷۴-۷۸	۷۹-۸۳	۸۴-۸۶	
۱۳۶۹	۳/۵۳	۰/۳۰	۳/۰۹	۳/۴۶
۱۳۷۰	-۱/۰۲	۲/۱۴	-۲/۰۰	۱/۲۴
۱۳۷۱	۰/۴۶	-۱/۹۳	۱/۵۱	۲/۴۳
۱۳۷۲	-۱/۴۴	-۳/۸۹	۱/۵۴	----
۱۳۷۳	۰/۱۶	۴/۷۷	۲/۴۹	----
متوسط دوره	۰/۳۴	۰/۲۸	۱/۳۲	۲/۳۸

نتایج حاصل نشان می‌دهد که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و حتی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت، به ویژه در سال‌های اخیر (سال‌های ۱۳۸۶ - ۱۳۸۴) مدیون رشد درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز بوده است.

۷- فرجام

۷-۱- نتیجه گیری

وجود درجه های همبستگی $(+0/76)$ و $(+0/66)$ بین تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت با درآمدهای نفتی و همچنین درجه های همبستگی $(+0/61)$ و $(+0/45)$ بین رشد آنها، همچنین درجه همبستگی $0/81$ بین تولید ناخالص داخلی سرانه با درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز حاکی از این واقعیت است که رشد اقتصادی کشور به عنوان یکی از شاخص های مهم توسعه اقتصادی همواره متأثر از درآمدهای نفتی بوده است. بنابراین می توان صنعت نفت را که نسبت به صنایع موجود در آن دوره در رده صنایع مدرن و پیشرفته محسوب می شد، به مثابه یک بخش پیشرو در اقتصاد ایران تلقی نمود، زیرا در دهه های نخستین، درآمدهای نفتی عمده در صنعت نفت و گاز سرمایه گذاری می شد. از این رابطه می توان به طور نمونه به افزایش سرمایه گذاری ۱۵۶ درصدی و ۱۱۲/۵ درصد بخش های نفت و گاز طبیعی در سال ۱۳۵۲ نسبت به سال ۱۳۵۱ و افزایش سهم بخش نفت از ۲۷ درصد سال ۱۳۵۱ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۵۴ و کاهش سهم بخش های کشاورزی و صنعت از ۱۶/۵ درصد و ۲۰ درصد به ۹/۴

درصد و ۱۵/۴ درصد در دوره ۵۴ - ۱۳۵۱ اشاره نمود.

بنابراین نفت نه تنها عامل مهم در تأمین درآمدهای دولت برای رشد اقتصادی بوده، بلکه بخش نفت نیز به مثابه یک بخش پیشرو ابتدا موجب رشدی نامتوازن و سپس با تبعیت تدریجی بخش های پسین و پیشین به رشدی متوازن در اقتصاد ایران منجر شده است. به طوری که در سال ۱۳۸۶ در حالی که رشد بخش نفت در حد ۰/۸ درصد متوقف مانده است، بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات ناشی از تأثیر غیرمستقیم درآمدهای نفتی به ترتیب از رده های ۸/۷ درصد، ۶/۲ درصد و ۶/۸ درصد برخوردار بوده اند.

بنابراین توسعه اقتصادی ایران با نظریه رشد نامتوازن آلبرت هیرشمن قابل تحلیل خواهد بود. هرچند ملهم از نظریه های نوین توسعه، به ویژه توسعه انسانی، توسعه یافتگی جوامع برآیندی از توسعه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی می باشد، اما در تمامی نظریه های توسعه همواره رشد اقتصادی یکی از شاخص های مهم توسعه محسوب می شود. از این رو با همبستگی مستقیم رشد اقتصادی کشور با رشد درآمدهای نفتی باید توسعه نسبی ایران را در

یکصد سال اخیر مرهون وجود نفت و درآمدهای ناشی از آن دانست. در عین حال باید اذعان نمود که پایین بودن بهره‌وری در کشور حاکی از عدم استفاده بهینه نفت در فرآیند توسعه می‌باشد.

در هر صورت با آگاهی از عملکرد بازدارنده استکبار خارجی و استبداد داخلی در مسیر توسعه‌یافتگی ایران و عدم استفاده بهینه از درآمدهای نفتی در ایران و در مقایسه با کشورهای دیگر با وجود بهبود نسبی شاخص‌های توسعه انسانی در ایران که به طور نمونه در دوره ۲۰۰۵ - ۱۹۷۵ از ۰/۵۷۱ به ۰/۷۵۹ ارتقا یافته است. (UNDP, 2008) بنابراین اثبات این ادعا مبنی بر اینکه نفت مانع توسعه‌یافتگی کشور بوده است، امری بسیار دشوار و شاید ناشدنی برای مدعیان محسوب گردد.

۷-۲- پیشنهادها

با عنایت به اینکه، از یک‌سو، توسعه‌یافتگی ایران و استقرار کشور در جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری از اهداف ملی در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی انتخاب شده است و از سوی دیگر با ابتناء به مشخصات جامعه آرمانی در قانون اساسی و ویژگی‌های توسعه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، توسعه موردنظر نظام

جمهوری اسلامی ایران، توسعه‌ای همه‌جانبه و انسانی خواهد بود، لذا استفاده بهینه از درآمدهای نفتی همزمان با فراهم نمودن زمینه گسترش توسعه‌های سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی به عنوان استراتژی مناسب کشور پیشنهاد می‌شود.

از این‌رو و در جهت استفاده بهینه از درآمدهای نفتی در توسعه اقتصادی کشور و به منظور تأمین عدالت بین نسلی، ایجاد ثبات در درآمدهای ارزی، کاهش اتکای بودجه دولت به نفت و برخورداری بخش خصوصی از وام‌های ارزی در فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری ... تبدیل «حساب ذخیره ارزی» به «صندوق درآمدهای نفتی» اقدامی ضروری است.

همچنین در راستای تعمیق توسعه‌های سیاسی و اجتماعی، اجرای مردم‌سالاری دینی و وفاداری بیش از پیش به قانون اساسی و نیز فراهم شدن مشارکت همه نیروهای شایسته، در فرایند توسعه کشور از الزامات تحقق اهداف ملی خواهد بود.

پانوش:

۱. ارقام موجود در این بخش، بر پایه سال ۱۳۷۶ و از منبع گزارشات بانک مرکزی در سال‌های مختلف می‌باشد.

منابع فارسی

- ۱- احدی فر، سعید (۱۳۷۴)، *درآمدهای نفتی، توسعه و جهان سوم*، چاپ اول.
- ۲- بانک مرکزی، *گزارش‌های اقتصادی، سال‌های مختلف*.
- ۳- سن، آمارتیا، (۱۳۸۲)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- علم، مصطفی (۱۳۷۱)، *نفت، اصول و قدرت*، ترجمه صالحیار.
- ۵- نوفرستی، محمد و دیگران (۱۳۷۶)، *گردآوری و تنظیم آمارهای اقتصادی (۷۴ - ۱۳۳۸)*، چاپ اول.

منابع لاتین

- 14- -----, (1997), "Commodities and Capabilities" North Holand, Amsterdam.
- 15- -----, and Drez (1995), "India: Economic Development an Social Opportunities" Oxford University Press.
- 16- Stiglitz, Joseph E. (1999), Knowledge for Development: Economic Science, Economic Policy, and Economic Advice, Annual World Bank Conference on Development Economics 1998. Washington D.C: World Bank
- 17- UNDP (2002), *Human Development Report*, New York, Oxford University Press
- 18- UNDP (2003), "Indicators for Monitoring the Millennium Development Goals: Definitions, Rationale, Concepts and Sources".
- 19- UNDP (2008), "Human Development Report".
- 6- Annand, P. (2004), *Capability Health*, Oxford University Press.
- 7- Hirschman, A.O. (1958), *The Strategy of Economic Development*, New Haven: Yale University Press.
- 8- Leibenstein, Harvey, (1968) , "Entrepreneurship and Development" *American Economic Review* 58 .
- 9- Meier, G.M. (1984), *Leading Issues in Economic Development*, New York: Oxford University Press.
- 10- Nurkes, R. (1954), *Problem of Capital Formation in Under Developed Countries*, Oxford: Basil Blackwell.
- 11- Rosenstein – Roden, (1957), *The Objective of U.S Economic, Assistance Programmers*
- 12- Sen, A. (1981), *Poverty and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation*.
- 13- -----, (1983), "Development, Which way Now?" *Economic Journal*.

0.068835	0.065647	S.D. dependent
2.06E-06	Determinant Residual Covariance	
126.0651	Log Likelihood	
-6.709713	Akaike Information Criteria	
-6.170997	Schwarz Criteria	

پیشرو
ضمائم

نفت، بخش پیشرو در توسعه نا متوازن ایران

DLOIL	DLNOGDP	DLGDP	
0.612518	0.792383	1.000000	DLGDP
0.445455	1.000000	0.792383	DLNOGDP
1.000000	0.445455	0.612518	DLOIL

LNOGDP	LGDP	LDOIL	
0.663588	0.759460	1.000000	LDOIL
0.944495	1.000000	0.759460	LGDP
1.000000	0.944495	0.663588	LNOGDP

Date: 11/17/08 Time: 11:03		
Sample(adjusted): 1353 1386		
Included observations: 34 after adjusting endpoints		
Standard errors & t-statistics in parentheses		
DLGDP	DLNOGDP	
-0.017337	0.276551	DLNOGDP(-1)
(0.24280)	(0.23262)	
(-0.07140)	(1.18886)	
-0.019188	0.004001	DLNOGDP(-2)
(0.22654)	(0.21704)	
(-0.08470)	(0.01844)	
0.451075	0.240856	DLGDP(-1)
(0.21771)	(0.20858)	
(2.07192)	(1.15474)	
-0.001981	0.154269	DLGDP(-2)
(0.21786)	(0.20872)	
(-0.00909)	(0.73912)	
0.010124	0.014594	C
(0.01139)	(0.01091)	
(0.88878)	(1.33733)	
0.116121	0.087850	DLOIL
(0.02351)	(0.02252)	
(4.93959)	(3.90053)	
0.562885	0.558847	R-squared
0.484828	0.480069	Adj. R-squared
0.068349	0.062738	Sum sq. resids
0.049407	0.047335	S.E. equation
57.31734	58.77361	Log likelihood
-3.018667	-3.104330	Akaike AIC
-2.749310	-2.834972	Schwarz SC
0.029590	0.045177	Mean dependent